

روزنامه سراسری سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: میرایوب پیرایش قهوه چی
نشانی دفتر تبریز: خیابان امام خمینی (ره) - کلانتر کوچه -
کوچه ششم پلاک ۶۱ - طبقه اول
تلفن: ۳۳۳۰۲۷۷۴ (۰۴۱) و ۳۳۳۰۲۷۷۹ (۰۴۱)



تلفن: ۳۳۳۰۲۷۵۱ (۰۴۱)
آدرس پست الکترونیکی: amine.mardom@yahoo.com
نشانی دفتر تهران: خیابان کارگر - نرسیده به چهارراه لشکر
روبروی ساختمان پست - پلاک ۸۵۱ طبقه سوم - واحد ۶
تلفن: ۶۶۴۹۴۳۱۸ (۰۲۱) و ۶۶۴۹۴۳۹۱ (۰۲۱)
چاپ: چاپ سبز

یکشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۵ / ۲۲ ربیع الثانی ۱۴۴۸ هـ. ق / 4 October ۲۰۲۶ / شماره ۷۳۲۲ / سال بیست و نهم

وعده‌های سرمربی تیم ملی پس از افزایش انتقادات؛ تغییر تاکتیک به سبک امیر قلعه‌نویی!



*ایمان گودرزی:

پس از عملکرد فاجعه بار تیم ملی در فیفادی کنونی و دو باخت مقابل ازبکستان و روسیه فشار و انتقادات روی کادر تیم ملی افزایش یافت، این تاخت و تاز به حدی رسید که حالا شاید رسیدن امیرقلعه نویی به جام ملت ها نیز با ابهاماتی روبرو باشد.
انتقادات از تیم ملی قلعه‌نویی همیشه وجود داشت و سبک بازی خسته کننده تیم نتوانست نظر هواداران را به خودش جلب کند. اما سرمربی تیم ملی همیشه تا قبل از این فیفا دی به انتقادات با حالتی حق به جانب پاسخ داد و با استدلال های گیج کننده سعی می کرد خودش و هواداران را برای عملکرد خوب (از نظر خودش) قانع کند، که البته نتیجه خاصی نداشت.
سرمربی تیم ملی فوتبال ایران پس از نتایج اخیر، از پذیرفتن مسئولیت، شنیدن اعتراض مردم و آغاز یک بازسازی صحبت کرده است؛ ادبیاتی که شاید در مقطع فعلی، متفاوت از موضوعی باشد که در ماههای گذشته از او شنیده‌ایم. او گفته است: «حق دارید ناراحت باشید و انتقاد کنید. تیم ملی برای شماس و ما خودمان را در برابر مردم مسئول می‌دانیم». پذیرش مسئولیت، به‌خودی‌خود اتفاق مثبتی است؛ اما پرسش اصلی اینجاست که چرا این نگاه اکنون مطرح شده است؟ مشکل دقیقاً همین «اکنون» است.

بازسازی؛ اما چند ماه دیر تر

تیم ملی دیگر در ابتدای یک چرخه چهار ساله قرار ندارد. فاصله تا جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۷ عربستان چندان زیاد نیست و هر تصمیمی از اینجا به بعد باید با در نظر گرفتن محدودیت زمانی اتخاذ شود. در چنین شرایطی، سخن گفتن از بازسازی تیم ملی زمانی قابل قبول خواهد بود که خیلی زود به تغییرات واقعی در زمین منجر شود. قلعه‌نویی از تغییر بعضی نغرات صحبت کرده است؛ تصمیمی که اگر بر اساس ارزیابی فنی باشد، می‌تواند ضروری باشد. اما سؤال مهم این است: چرا این تغییرات زودتر اتفاق نیفتاد؟
سرمربی تیم ملی برای ایجاد تغییر نسل، فرصت کوتاهی در اختیار نداشت. از جام ملت‌های قبلی تا جام ملت‌های بعدی، تقریباً یک چرخه کامل در اختیار کادرفنی بود تا بازیکنان جدید را آزمایش کند، ترکیب را تغییر دهد و برای آینده تیم ملی تصمیم بگیرد. اما بخش قابل توجهی از این زمان صرف حفظ ساختاری شد که حالا خود قلعه‌نویی درباره ضرورت تغییر آن سخن می‌گوید.



زهر گل احمدی، خبرنگار امین:

به گزارش روابط عمومی اداره ورزش و جوانان شهرستان تبریز، شهرداری تبریز به عنوان میزبان رقابت‌های آمادگی جسمانی و شنا بانوان کارکنان شهرداری‌های کلانشهرهای ایران، پذیرای ورزشکاران و تیم‌های اعزامی از شهرهای مختلف خواهد بود.

این مسابقات با حضور ورزشکاران منتخب شهرداری‌های کلانشهرها روز شنبه ۱۱ مهر ماه برگزار خواهد شد.

برگزاری این رویداد، فرصتی برای ارتقای سطح آمادگی جسمانی کارکنان، توسعه فرهنگ ورزش



در محیط‌های اداری، افزایش نشاط سازمانی و تبادل

تبریز میزبان مسابقات آمادگی جسمانی و شنا بانوان کارکنان شهرداری‌های کلانشهرهای ایران

تجربیات میان فعالان حوزه ورزش شهرداری‌ها فراهم می‌آورد. همچنین شهرداری تبریز با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ورزشی و امکانات مناسب، تلاش خواهد کرد میزبانی شایسته‌ای از این رقابت‌ها داشته باشد.

این مسابقات بر اساس تقویم ابلاغی و با حضور نمایندگان شهرداری‌های کلانشهرهای کشور در سالن توانا و استخر خاوران باشگاه شهرداری تبریز در روز شنبه ۱۱ مهر ماه برگزار خواهد شد.



ذکر روز یکشنبه

یا ذالجلال والاکرام

ای صاحب شکوه و بزرگواری

هجرت حضرت امام خمینی (ره) از عراق به کویت (۱۳۵۷هـ.ق)

رحلت حکیم عارف و محدث مفسر علامه محمد محسن فیض کاشانی (۱۳۹۱هـ.ق)

پرتاب نخستین قمر مصنوعی شوروی به فضا و آغاز عصر فضا (۱۹۵۷م)

تولد «لویی لویی» فیلمساز، تهیه کننده و از مخترعان فرانسوی سینما (۱۸۲۴م)

کشف پنی سیلین توسط الکساندر فلمینگ (۱۹۲۸م)

رخدادهای تاریخی امروز

برای سفر اربعین دینار خریدم که مقداری از آن اضافه آمده و میخواهم برای اربعین سال آینده از آن استفاده کنم؛ با توجه به اینکه زمان مصرف کمتر از یکسال دیگر است؛ آیا باید خمس آن را بپردازم؟ اگر دینار از درآمد کسب بین سال، تهیه شده، سر سال خمس به قیمت روز بازار مشمول خمس می گردد.

استفتای دهری

امام علی علیه السلام

أَعْلَمُ النَّاسِ بِأَلَلِهِ أَكْثَرُهُمْ لَهُ سَأَلَةً.

داناترین مردم به خدا،

پُرخواستار ترین آنان از اوست.

داستان دنباله دار

◆ ساغر قسمت بیست و هشتم سعيده پيرایش ◆

... هر دو گیج و سر درگم بودند؛ کمال از این همه تغییر عقیده‌ی ناگهانی و ساغر از این همه اصرار غیر منتظره. هیچ کدام از حرف‌های دیگری سر در نمی‌آوردند. در نهایت، با همان پارچه‌ی اول انتخابی ساغر، حساب کردند و از مغازه بیرون آمدند. به محض این که پایشان را از مغازه بیرون گذاشتند، کمال که دیگر نتوانست سکوت کند، ایستاد. نگاهش رنگ دلخوری عمیقی گرفته بود. رو به ساغر کرد و با لحنی که از بغض و کلافگی سرشار بود، گفت: «چرا فکر می‌کنی از پس خریدِ یه پارچه برنمیام؟»

ساغر درست وسط شلوغی بازار، جا خورد. انگار زیر پایش خالی شده باشد. ابروهایش را بالا داد، نگاهش را در صورتِ کمال چرخاند و با صدایی که سعی می‌کرد طنین بی‌گناهی بدهد، پرسید: «من؟»

کمال، در حالی که دلخورت‌تر از قبل بود و غرورش جریحه‌دار شده بود، بدون اینکه منتظر جواب بیشتری بماند، راه افتاد. قدم‌هایش تند و مصمم بود. در همان حال که از او فاصله می‌گرفت، صدایش را طوری بلند کرد که ساغر بشنود: «بیا بریم... چادر هم بخر... چیز دیگه‌ای هم می‌خوای بخری بگو... ترس به اندازه دو سه متر پارچه پول دارم.»

کلمات کمال مثل پتک بر سر ساغر فرود آمد. «ترس؟» کلمه‌ای که کمال به زبان آورد، لرزه‌ای به جان ساغر انداخت. او نه از کمبود پول، که از ترس بازگشت به آن روزهای سیاه می‌لرزید. ساغر همان‌جا ایستاد و به پشتِ کمال که با عصبانیت از میان جمعیت می‌گذشت، خیره ماند.

چند لحظه بعد، وقتی ساغر از بهتِ عمیقی که در آن فرو رفته بود بیرون آمد، با قدم‌های سریع خود را به کمال رساند. نفس‌نفس‌زنان جلوش ایستاد و پرسید: «از چی ناراحت شدی؟» کمال ایستاد. نگاهش را به صورتِ گیج و سر در گم ساغر دوخت؛ نگاهی که در آن ردی از خستگی روحی دیده می‌شد. با لحنی که سعی می‌کرد کنترلش کند، گفت: «شاید اون قدرها پولدار نباشم، اما... اما می‌تونم از پس زندگی‌ام بر بیام. نیازی نیست بخوای با انتخاب‌هایِ دست و پا شکسته‌ات، بهم ثابت کنی که کجای راه هستم.»

ساغر همان‌جا خشک شد. به چشم‌های کمال زل زد، اما معنای حرف‌هایش برای او مثل زبانی بیگانه بود. گیج‌تر از آن بود که بفهمد چرا کمال این‌طور آشفته است. کمال، همچنان که با دلخوری مقابله‌اش ایستاده بود، منتظر واکنشی بود؛ شاید یک معذرت‌خواهی ساده، شاید اقراری که این نیتِ پلید را نداشته است.

ساغر، بعد از چند لحظه کشمکش درونی و تلاش برای هضم این کلمات، زبان باز کرد و پرسید: «مگه من گفتم پول نداری؟» ادامه دارد